

کار برای بیکاران

بیش از ۳ میلیون کارگر ایرانی (صنعتی و غیرصنعتی) بیکارند و پیشی قریب به یک سوم (۱/۳) نیروی کار ایران امروز

بیکار است و در جستجوی کار به هر دری میزنند.

سختگوییان دولت و نمایندگان وزارت کار و این بیکاری را ناشی از فرار سرمایه داران بزرگ و صاحبان کارخانه ها به خارج و مصطل شدن مواد نظام مورد نیاز کارخانه ها در گرگ میشا اند و معتقدند با باز شدن گمرکات و تسهیلاتی که در امر ترخیص مواد خام انجام داده اند و با روشن شدن تکلیف کارخانه ها می که صاحبان شان به خارج فرار کرده اند مسئله و مشکل بیکاری حل خواهد شد و کارگران بیکار فقط باید قدری صبر و تحمل داشته باشند و به دولت مدتی فرصت بدهند تا همه کارها بر سر راه شود و مشکل بیکاری برطرف گردد. سختگوییان دولت برای اثبات این ادعا دلایل و مدارک کمی نیز دارند و از جمله به این حقیقت اشاره میکنند که امروز فقط ۰.۵ درصد از ظرفیت و واحدهای تولیدی بکار افتاده اند و با برآه افتادن باقی واحدهای تولیدی و بکار انداختن ۰.۵ درصد ظرفیت کارخانه های موجود، با نظاره کافی کار ایجاد خواهد شد.

بیکاری، برای کارگران ایران مشکل نا آشنایی نیست و تازه نیز بوجود آمده است. بیکاری و بیماری علاج ناپذیر رژیم سابق است و ریشه های آن را باید در ریا بطریق کم و بیش اقتصادی رژیم ضد کارگری و مرتجع پهلوی جستجو کرد و همانجا نیز آنرا سوزاند. مردم ایران از روستایی و شهری، همیشه با مشکل بیکاری روبرو بوده اند و تسطیل شدن تعدادی از کارخانه ها و واحدهای تولیدی در روستاها هم گذشته فقط آنرا تشدید کرده و بوضع آشکار ساخته اند. در دورانی که رژیم سابق با سروصدای فراوان ورود به دروازه های تمدن بزرگ را نوید میداد بین یک تا دو میلیون نفر بیکار بودند و تعداد بیشتری فقط چند ماهی در سال کار داشتند. در زمانیکه رژیم بهاری هوا را با نقر کارگرهای و فیلیپینی و پاکستانی و هندی را وارد میکرد و مدعی بود که در ایران با اندازه کافی کارگر پیدا نمیشود هزاران ایرانی در جستجوی کار صفت کشیده بودند و خانواده هایشان گرمی میکشیدند. آن دسته از بیکاران که خونسشان تر بودند و برای خود کاری دست و پا میکردند هم نیروی کارشان صرف کارهای غیرتولیدی مانند کارهای ساختمانی میشد و آنهم بحدی که "لطف" مقطعه کار داشت و این کارگران هم شب که میخواهید بیدار نمیدانستند که فردا این کاری خواهد داشت یا نه. بیکاری در دهها شکل دیگری پیدا میکرد و میکند که بیکاری پنهان نام دارد. اکثریت دهقانان فقط فصلی از سال کار دارند و دهقانان بی زمین و کارگران کشاورزی فقط ۰.۵ روز از سال کارگیرشان میاید و باقی سال، در جستجوی کار آوار شهرها میشوند. به این بیکاری آشکار و پنهان اگر افزایش جمعیت را هم اضافه کنیم واقعیت روشن تر میشود، چون هر سال حدود ۰.۳ هزار نفر به کسانی که در جستجوی کار هستند اضافه میشود و اکثریت این تعداد نیز به جمع بیکاران پیوسته و صاف بیکاران را طول تر میکنند.

چرا بیکاری وجود دارد و آیا راهی برای از بین بردن قطعی بیکاری هست؟ در کشور ما بیکاری در درجه اول محصول ورشکستگی کشاورزی و محرومیت دهقانان از زمین و بعد محصول اقتصاد و صنایع وابسته به خط رجعی میباشد. اکثریت زمین های قابل کشت کشور طرد است اقلیتی زمین دار بزرگ و ورشکندگی رنگارنگ امپریالیستی و دولتی است و "اصلاحات ارضی" رژیم شاه نیز نه تنها محرومیت دهقانان را برطرف نکرد بلکه آنها را خانه خراب تر کرد و آواره نمود. هر ساله میلی از دهقانان بی زمین بسوی شهرها سرازیر میشوند و در اطراف شهرها حاشیه نشینی میکنند و به خیل بیکاران پیوسته و سیاستهای خانمان برانداز کشاورزی رژیم سابق نیز تولیدات کشاورزی را تقریباً از بین برد و کشاورزی را ورشکسته ساخت. از سوی دیگر کارخانه ها و صنایع ایران اکثراً وابسته به خط رجعی هستند و تولیداتشان نه برای شکوفایی اقتصاد ملی ایران بلکه برای سود رسانی به سرمایه داران و بازار امپریالیستی بوده است و در نتیجه نه بخاطر منافع مردم بلکه بخاطر منافع خارجی و رژیم شاه کار میکنند. وابسته بودن این صنایع حکم میکند تا همیشه تابع منافع سرمایه داران خارجی باشند و سرمایه داران خارجی نیز با انتقال بحران و مشکلات اقتصادی کشورهای خودشان به ایران این کارخانه ها را یا از کار میانداختند و یا با ظرفیت نازل بکار میگرفتند و در نتیجه هم با اندازه کافی کار ایجاد نمیشد و هم بیکاران

